

اخلاق مناظراتی و مناظرات اخلاقی در سیره رضوی و شیوه

بکارگیری آن در کرسی‌های آزاداندیشی

مرضیه محمودی^۱

حسین خاکپور^۲

مهرناز گلی^۳

ابراهیم نوری^۴

چکیده

مقدمه: یکی از بهترین شیوه‌های تبلیغ دین در عصر حاضر، طرح مسائل نظری و اعتقادی در قالب کرسی‌های آزاداندیشی است که هدف این نوشته، توجه به ابزار کارآمد مناظره در سیره امامان معصوم به ویژه امام رضا (ع) و اقتباس روش‌های جدال احسن از مناظرات آن حضرت با پیروان ادیان و مذاهب است.

روش: مقاله حاضر به روش توصیفی - تحلیلی، ضمن بررسی مناظرات این امام همام تصویری روشن از حاکمیت اخلاق بر فضای مناظرات حضرت با پیروان مذاهب و ادیان مختلف و دعوت عملی آن‌ها به اسلام را ارائه می‌کند.

یافته‌ها: یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که علاوه بر حاکمیت فضای علمی بر مناظرات «اخلاق مناظراتی» و «مناظرات اخلاقی» این امام جلوه‌ای خاص به این کرسی‌ها بخشیده و همین ویژگی باعث جذب حداکثری به سمت اسلام گردید. برخورد هدایتی و رعایت

۱. دانشجوی کارشناسی ارشد علوم قرآن و حدیث، دانشگاه سیستان و بلوچستان، زاهدان، ایران.

۲. دانشیار دانشگاه سیستان و بلوچستان، گروه علوم قرآن و حدیث، زاهدان، ایران. (نویسنده مسؤول)

Email: dr.khakpour@theo.usb.ac.ir

۳. استادیار دانشگاه سیستان و بلوچستان، گروه علوم قرآن و حدیث، زاهدان، ایران.

۴. استادیار دانشگاه سیستان و بلوچستان، گروه معارف اسلامی، زاهدان، ایران.

نوع مقاله: پژوهشی تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۳/۱۰/۹ تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۳/۱۱/۲۳

انصاف، اولویت عمل به فرائض دینی از جمله نماز اول وقت، حاکمیت عقل و منطق از دیگر ویژگی‌های مناظرات امام است.

بحث و نتیجه‌گیری: نتیجه این که با توجه به سیره امام رضا در صورت بهره‌گیری از «اخلاق علمی و عملی» در کنار «اخلاق باور» در کرسی‌های آزاداندیشی می‌توان آن‌ها را سودمند، کارآمد و مؤثر گردانید.

واژگان کلیدی

امام رضا (ع)، مناظرات، اخلاق علمی، اخلاق عملی، اخلاق باور، کرسی‌های آزاداندیشی

مقدمه

نقد و مناظره در تاریخ بشر سابقه دیرینه‌ای دارد. تاریخ ادیان توحیدی نشان می‌دهد که پیامبران بزرگ الهی همواره در موقعیت‌های گوناگون تبلیغی، از این ویژگی عمومی و فطری بشر بهره‌های فراوان برده‌اند. احتجاج‌های پیامبر اکرم (ص) با مشرکان عرب، مسیحیان نجران، یهودیان، منکران معاد در بسیاری از آیات و منابع حدیثی انعکاس یافته است. (طبرسی، ۱۴۰۳ ق، ص ۲۲)

حفظ بنیان‌های اصیل و باورهای عمیق، یکی از اساسی‌ترین ویژگی‌های برپایی کرسی‌های آزاداندیشی می‌باشد که این مبانی و بنیان‌ها، در قرآن و سیره اهل بیت به ویژه مناظرات امام رضا قابل ردیابی است. امام رضا (ع) در تمام مناظرات خود به دنبال اهداف اخلاقی و هدایت افراد بوده و هیچ‌گاه تخطئه و تخریب افراد را برنمی‌تابید. هیچ‌گاه خشمگین نمی‌شد، حتی اگر سخنان باطل می‌شنید. با مبانی طرف مقابل استدلال می‌کرد و رعایت انصاف را می‌نمود. از جمله دعوت عملی حضرت به اخلاق و دین، رها نمودن مناظرات برای انجام فریضه نماز در اول وقت بود. توجه به بُعد تعالی‌بخشی و آزاداندیشی از ویژگی‌های دیگر مناظرات امام است به طوری که تلاش‌های امام سبب احیای مجدد اسلام گردید. (خاکپور، ۱۳۹۳ ش، ص ۳۲) نمونه‌ای از این آزاداندیشی را در مناظرات امام رضا (ع) می‌بینیم، زمانی که حضرت با پایان یافتن مناظره، رو به رؤسای ادیان نموده می‌فرماید: «ای قوم، اگر در میان شما کسی مخالف اسلام است و سؤالی دارد، هر سؤالی که می‌خواهد بدون هیچ خجالتی مطرح کند.» (ابن بابویه، ۱۳۷۲ ش، ص ۱۵۴)

امام رضا (ع) در مناظرات علمی با بزرگان ادیان و مذاهب با احاطه علمی خود، عنان افکار را به دست گرفته، با تکیه بر اصول مشترک میان ادیان و استدلال‌های طرف مقابل، فرد را ناگزیر به اعتراف می‌نمود. به نظر می‌رسد در صورت کنکاش

این گفتگوها و اقتباس روش‌های صحیح بحث و مناظره، معرفت‌افزایی در کرسی‌های آزاداندیشی رونق بیشتری می‌یابد و تأسی به اخلاق‌مداری امام رضا (ع) در رویارویی با افکار مخالف، زمینه‌ساز بالندگی علمی و فکری آحاد جامعه خواهد شد. آنچه نمود والایی در مناظرات امام (ع) دارد، اخلاقی‌بودن مناظراتشان است. اخلاق در متون دینی از اهمیت والایی برخوردار است، به طوری که گاهی از آن به علم اخلاق یاد می‌کنند. (ابن منظور، ۱۴۱۶ ق، ص ۱۹۴؛ نراقی، ۱۳۶۸ ش، ص ۳۴؛ مطهری، بی تا، ۲۲؛ زانه، ۱۳۷۳ ش، ص ۵۳) که پرداختی به آن از حوصله بحث خارج است.

پیشینه بحث: تا جایی که نگارنده بررسی نموده در مورد موضوع مورد بحث تاکنون نوشته مستقلی نگاشته نشده، اما مناظرات امام رضا (ع) با ادیان و مذاهب گوناگون، موضوعی است که به لحاظ روایی و تاریخی در کتب مختلف ذکر شده است، (ابن بابویه ۱۳۷۲ ش، ص ۹۸؛ طبرسی، ۱۴۱۳ ق، ۴۰۱؛ مجلسی، ۱۴۰۳ ق، ۳۰۳) اما اثری که به طور ویژه، اخلاق‌مداری در مناظرات رضوی را به عنوان مهم‌ترین مبنا و مؤلفه مورد توجه قرار دهد، به ندرت دیده می‌شود. نوشته حاضر تلاش می‌کند با تأمل در سیره رضوی، اصول و روش‌هایی جهت استفاده در کرسی‌های آزاداندیشی معرفی نماید که اهم آن‌ها به شرح ذیل است.

الف - اخلاق علمی

نکته قابل تأمل در مناظرات امام رضا (ع) رعایت اخلاق علمی است، شایسته و بایسته است دست‌اندرکاران کرسی‌های آزاداندیشی اخلاق علمی را در فرایند مناظره مد نظر داشته باشند. برخی از مؤلفه‌های آن با توجه به سیره امام رضا (ع) به شرح ذیل می‌باشد:

۱- عدم نقد اشخاص

نقد و زیر سؤال بردن اعتقادات یا توهین به شخصیت و مقدسات افراد به نام بحث‌های علمی و دینی، از نگاه اسلام امری بسیار ناپسند است که گاه باعث برهم خوردن قوای فکری و روانی طرف مناظره می‌شود و حتی ممکن است باعث تخریب دین و مقدسات گردد. وجود نقدهای عالمانه و متخصصانه و صرفاً علمی از مهم‌ترین شروط یک مناظره اصولی است. (فنائی اشکوری، ۱۳۷۴ ش، ص ۲۰)

امام رضا (ع) در مناظرات خویش هیچ‌گاه به نقد شخصیت نمی‌پرداختند، حتی اگر طرف مقابل این کار را انجام می‌داد، بلکه تنها براهین و استدلالات آن‌ها را مورد نظر قرار می‌دادند، به عنوان نمونه هنگام مناظره امام با جاثلیق، امام هیچ‌گاه این عالم مسیحی را نقد نکرد، اما او از تنها فرصتی که به دست آورد، امام را نقد کرده و حضرت را به جهل و ناتوانی علمی متهم نمود. (فضل‌الله، ۱۳۶۶ ش، ص ۲۰۲) امام در هیچ جای مناظره مخاطبان خود را متهم به دروغ‌گویی نمی‌کند، بلکه در همه موارد، نقاط اشتباه و انحراف آنان را تذکر می‌دهد. در حقیقت امام از نقد شخصیت افراد خودداری می‌کنند و به نقد مطالب می‌پردازد. توجه به این نکته در مناظراتی که ناظران متعدد هستند اهمیت دارد، زیرا می‌تواند توجه مخاطبان را به سوی حق‌مداری مناظره‌کننده جلب کند و از خارج‌شدن شکل مناظره از یک مباحثه علمی به دعوای شخصی جلوگیری نماید.

۲- استفاده از منابع مورد قبول طرف مقابل

از اصول اخلاقی و مهارت‌های مهم مناظره این است که انسان در مناظره علاوه بر استفاده از براهین عقلی، منابعی استفاده کند که طرف مناظره نیز آن را قبول دارد. بر اساس احادیث (کلینی، ۱۳۶۲ ش، ص ۱۶۵) و آموزه‌های کلامی شیعه (حر عاملی، بی‌تا، ص ۱۴۲؛ ابن بابویه، ۱۳۶۱ ش، ص ۹۸) امام باید داناترین و فاضل‌ترین فرد جامعه اسلامی باشد تا بتواند به آسانی از عهده پاسخ‌گویی به همه پرسش‌ها و

چالش‌های علمی مربوط به اسلام و جامعه اسلامی برآید. بر اساس این دیدگاه، امام حجت خدا بر مردم است و باید از هر دانشی که برای هدایت مردم لازم است، برخوردار باشد. بر اساس آموزه‌های دینی گستره علم و دانش امام افزون بر قرآن و سنت (حر عاملی، بی‌تا، ص ۱۴۴؛ کلینی، ۱۳۶۲ ش، ص ۲۰۱) حوزه‌های دیگری از جمله کتب مقدسی همچون تورات، انجیل و زبور (کلینی، ۱۳۶۲ ش، ص ۲۲۷) و زبان اقوام و ملل گوناگون (کلینی، ۱۳۶۲ ش، ص ۲۲۷) را نیز دربر می‌گیرد. امام رضا (ع) فرمودند: «چگونه می‌شود خداوند فردی را حجت بر مردم قرار دهد، ولی او زبان آنان را درک نکند؟» (اربلی، ۱۳۸۱ ش، ص ۲۲۹)

در مناظره و گفتگویی که بین آن حضرت و ابواسماعیل سندی رخ داد ابواسماعیل چون عربی نمی‌دانست در ابتدا به زبان سندی با ایشان احوال‌پرسی می‌کند. امام هم به زبان سندی جواب می‌دهد، سپس به زبان سندی با وی به گفتگو می‌نشیند. در آخر مناظره ابواسماعیل به ایشان می‌گوید: «من عربی نمی‌دانم از خداوند بخواهید آن را به من الهام کند، تا با اهل آن بازبان خودشان گفتگو کنم» در این هنگام حضرت رضا (ع) دست خودشان را بر لب‌های اسماعیل کشیدند و او زبان عربی را یاد گرفت. (عطاردی، بی‌تا، صص ۵۰-۱۴۶؛ خاتمی، ۱۳۷۲ ش، ص ۱۴۸)

یکی از مظاهر اخلاق علمی امام (ع) که شگفتی اطرافیان و شاهدان را همراه داشت، آشنایی کامل حضرت به زبان‌های و کتاب‌های مختلف بود. به عنوان نمونه در مناظره امام با جاثلیق وقتی عالم مسیحی به مأمون گفت: «چگونه با کسی بحث کنم که به کتابی استدلال می‌کند که من آن را قبول ندارم، و به گفتار پیامبری احتجاج می‌کند که من به او ایمان ندارم؟» حضرت فرمودند: «ای مرد مسیحی؟ اگر از انجیل برای تو دلیل بیاورم، آیا می‌پذیری؟» جاثلیق گفت: «آیا می‌توانم آنچه را انجیل فرموده، رد کنم؟ به خدا سوگند علیرغم میل باطنی‌ام، خواهم پذیرفت.»

(ابن بابویه، ۱۳۷۲ ش، ص ۳۱۸؛ قرشی، ۱۳۸۲ ش، ص ۲۱۸؛ مجلسی، ۱۴۰۳ ق، ص ۳۰۱) حضرت رو به رأس الجالوت کرده، فرمودند: «جوابی را از من نپذیر مگر این که از تورات موسی یا انجیل عیسی یا زبور داود باشد.» (ابن بابویه، ۱۳۷۲ ش، ص ۳-۳۳۲؛ مجلسی، ۱۴۰۳ ق، ص ۳۱۰)

آشنایی و تسلط کامل بر منابع دینی طرف مناظره نیز یکی دیگر از اخلاقیات علمی و مهارت‌ها در گفتگوست که ما این را در مناظرات امام رضا (ع) شاهد هستیم. آن حضرت در مناظره با جاثلیق از او می‌پرسد: «آیا یوحنا ی دلمی را قبول دارد یا نه؟» او یوحنا را محبوب‌ترین مردم در نزد عیسی (ع) معرفی می‌کند پس از آن امام با ذکر عبارتی از انجیل یوحنا (گلن، ۱۳۷۹ ش، ص ۴۵) نسطاس رومی و رأس الجالوت یهودی را بر وجود چنین مطلبی در انجیل شاهد می‌گیرد و با این کار بیان خود را محکم‌تر می‌سازد و از جاثلیق اقرار و اعتراف می‌گیرد که چنین عبارتی در انجیل موجود است. (ابن بابویه، ۱۳۷۲ ش، ص ۹-۳۱۸؛ قرشی، ۱۳۸۲ ش، ص ۲۱۹؛ مجلسی، ۱۴۰۳ ق، ص ۳۰۳)

در این مناظره امام با خواندن سفر سوم عهدین و طرح بحث تعداد حواریون، نحوه نگارش اناجیل، خواندن کتاب اشعیا، این که فقط یوحنا حضرت عیسی را خدا می‌داند و سه انجیل دیگر او را انسان می‌دانند ادعای خودشان را اثبات می‌کنند و خود جاثلیق نیز می‌پذیرد که مانند امام بر آن امور مسلط نیست. غلبه امام بر حریفان و طرف‌های مناظره با استناد بر کتاب‌های خودشان و بر اساس منطقی محکم و استوار، در نهایت به اثبات حقانیت و احیای اسلام، مجاب‌شدن مدعیان گوناگون، اثبات برتری و حقانیت ائمه اهل بیت (علیهم‌السلام) و پیروان و شیعیان آن‌ها منجر شد.

امروزه یکی از مشکلات ما نبود یکپارچگی در مناظرات است. هر کسی با هر واژگانی در مناظره شرکت می‌کند در صورتی که امام (ع) در مناظرات به زبان

مخاطب صحبت می‌کرد و حتی با اهل کتاب با کتاب و لغات آن‌ها سخن می‌گفت. نکته جالبی که در این مناظره وجود دارد، این است که آنچه را که امام می‌فرمود طرف‌های مناظره تصدیق می‌کردند و این باید امروز الگویی برای گفتگوهای بین ادیانی باشد که با اطلاعات کافی با یکدیگر گفتگو کنیم و بر داده‌ها و اطلاعات ناقصی که از منابع غیر معتبر به دست می‌آید اکتفا نکنیم.

۳- جدال احسن

یکی از مسائلی که باید در کرسی‌های آزاداندیشی مورد توجه قرار گیرد «جدال احسن» است. خداوند در قرآن کریم می‌فرماید: «با فرزانی و پند دادن نیکو به راه پروردگارت دعوت کن و با مخالفان به طریقی که نیکوتر است مجادله کن.» (نحل: ۱۲۵) در آیات و روایات بر «جدال احسن» تأکید و از مجادله غیر احسن نهی شده است، امام صادق (ع) می‌فرماید: «جدال غیر احسن آن است که در اثر سوء استفاده از ضعف فکری رقیب، چنین کاری را انجام دهید.» (بحرانی، ۱۳۸۶ ش، ص ۲۵۳) در مقابل، اگر مقدمات حق مبرهن بوده، مورد پذیرش و تسلیم طرف مقابل باشد جدال احسن است. (جوادی آملی، ۱۳۸۹ ش، ص ۱۱۲) امام (ع) از روش‌های زیادی در مناظره بهره می‌گرفتند، ولی جدال احسن از مهم‌ترین، بارزترین و اخلاقی‌ترین آن‌هاست.

یکی از دلنشین‌ترین مناظرات امام رضا (ع) که نمونه کامل جدال احسن می‌باشد و کلاس درسی است برای کرسی‌های آزاداندیشی، مباحثه امام با سلیمان مروزی درباره «بداء» می‌باشد. بداء اصطلاحی کلامی به مفهوم دگرگونی و تبدیل رأیی به رأیی دیگر است، (جرجانی، ۱۴۰۶ ق، ص ۱۷۹؛ نوری و همکاران، ۱۳۹۰ ش، ص ۱۷۶) چنانکه در قرآن نیز به معنای ظهور و آشکار شدن امری بکار رفته است، (زمر: ۴۷-۸) اما مفهومی که موجب بحث‌های کلامی و اعتقادی شده، نسبت بداء به حق

تعالی، به معنای تجدید رأی و اراده، یعنی بازگشت حق از رأیی و حکمی به رأی و اراده جدید است، شیخ صدوق احادیث متعددی در تأیید مسأله بداء آورده است؛ به نظر او منظور از بداء عبارت است از: آفرینش چیزی و سپس معدوم کردن آن یا جایگزین کردن چیز دیگری به جای آن و یا امر به چیزی در شرایط خاص و نهی همان چیز در شرایط دیگر. این قضیه همانند نسخ شرایع و احکام است که در موارد متعددی اتفاق افتاده و همه مسلمانان آن‌ها را پذیرفته‌اند. (ابن بابویه، ۱۳۹۸ ش، ص ۳۳۶؛ نوری و همکاران، ۱۳۹۰ ش، ص ۱۷۸)

امام (ع) به سلیمان فرمودند: «چگونه بداء را انکار می‌کنی در حالی که آیات فراوانی بر آن دلالت دارد، از جمله «اوست که آفرینش را آغاز می‌کند و دو مرتبه ایجاد می‌کند و ایجاد دوباره برایش آسان‌تر است.» (روم: ۲۷) سپس امام (ع) به استناد سخن پیامبر (ص) فرمودند: خداوند به یکی از پیامبران خویش وحی فرمود که فلان پادشاه را آگاه کند که در فلان روز او را می‌میرانم، زمانی پادشاه از این امر مطلع شد، به دعا و التماس پرداخت و می‌گفت ای پروردگار مرا مهلت بده تا کودکم بزرگ شود و کارهای مرا سامان دهد. خداوند بر این پیامبر وحی فرمود که آن پادشاه را دیدار کن و او را آگاه مگردان که مرگ او را به تأخیر انداختم.» بدیهی است بداء به معنایی که ذکر شد، منع و اشکالی ندارد و به کسانی که بدان قائل هستند به هیچ روی سرزنشی نیست.

سلیمان پرسید: «پس لیل‌القدر چیست؟ امام (ع) فرمود: ای سلیمان لیل‌القدر شبی است که خداوند امر یک سال را در آن قطعی می‌کند. سپس امام (ع) ادامه دادند: بعضی از امور را تنها خدا می‌داند که بخشی از آن‌ها را به وجود می‌آورد و بخشی را به تأخیر می‌اندازد. ای سلیمان امیر المؤمنین (ع) فرمودند: دو نوع علم داریم: علمی که خداوند به ملائکه و پیامبران آموزش داده که این واقع می‌شود و

دیگر علمی که احدی از آن اطلاعی ندارد. از این علم است که خداوند بخشی را از بین می‌برد و بخشی را به وجود می‌آورد.» پس از شنیدن این سخن، سلیمان می‌گوید: «ان شاء الله بعد از این بداء را تکذیب نمی‌کنم.» (طبرسی، ۱۴۰۳ ق، ص ۴۰۱)

این مناظره حاوی تحقیقات دینی مهمی است که نشان می‌دهد امام رضا (ع) توانایی علمی بزرگی داشته است و این عقیده شیعه امامیه را ثابت می‌کند که می‌گفتند: «امام باید داناترین مردم زمانش باشد.» این مناظره کوشش‌های مأمون را که قصد داشت امام در پاسخ حتی یک سؤال از خود عجز نشان دهد تا او معتقدات شیعه را نسبت به امام سست کند، خنثی کرد.

با توجه به مناظرات امام، برخی از مؤلفه‌های جدال احسن - که لازم است در کرسی‌های آزاداندیشی به آن‌ها توجه شود، به شرح ذیل است:

۱-۳- آزادگذاشتن طرف مقابل: امام رضا (ع) کاملاً به مخالف خود آزادی می‌داد و به او اعلام می‌کرد که هرچه می‌خواهد بپرسد. امام هیچ‌گاه فرد مقابل را در سؤال کردن محدود نمی‌کرد، در مناظره با سلیمان مروزی، سلیمان گفت: «معنی این حرف، این است که (ازازل) آن چیز وجود داشته است. حضرت فرمودند: حرف محالی می‌زنی، زیرا چه بسا کسی بنائی بلد است، ولی خانه‌ای نمی‌سازد، یا خیاطی بلد است، ولی خیاطی نمی‌کند، یا ساختن چیزی را بلد است، ولی هرگز آن را نمی‌سازد. سپس حضرت فرمودند: آیا خدا خودش می‌داند که واحد است و چیزی به همراهش نیست؟ گفت: بله، حضرت فرمودند: آیا این مطلب، چیزی را به همراه خدا ثابت می‌کند؟ سلیمان گفت: نمی‌داند که واحد است و چیزی با او نیست، حضرت فرمودند: آیا تو این را می‌دانی؟ گفت: بله، حضرت فرمودند: پس تو از خداوند داناتری! سلیمان گفت: اصلاً، این موضوع محال است، حضرت فرمودند: از

نظر تو محال است که خداوند واحد باشد و چیزی با او نباشد و سمیع، بصیر، حکیم، علیم و قادر باشد؟ گفت: بله، حضرت فرمودند: پس خداوند چگونه خود خبر داده است که واحد است، زنده است، سمیع و بصیر است، حکیم، قادر، علیم و خبیر است؟ در حالی که (طبق گفته تو) خودش این مطالب را نمی‌داند؟ سخن تو ردّ سخن خود و تکذیب آن است، خداوند از این سخن منزّه است. سپس حضرت ادامه دادند: پس چگونه می‌خواهد چیزی را که نمی‌شناسد و ساختنش را بلد نیست، بسازد؟ صانعی که قبل از ساختن یک چیز، نمی‌داند که چگونه باید آن را بسازد، در واقع حیران است و سرگردان، و خداوند از این موضوع منزّه است و والاتر. (مجلسی، ۱۴۰۳ ق، ص ۳۳۳) سلیمان گفت: اراده همان قدرت است، حضرت فرمودند: خداوند عزوجل بر آنچه اراده نکند هم قادر است و این مطلب قطعی است، چون خداوند فرموده «اگر بخواهیم، آنچه را بر تو وحی کرده‌ایم، خواهیم برد» (اسراء: ۸۶) و اگر اراده همان قدرت می‌بود، خداوند اراده کرده بود که آن را ببرد، چراکه قدرت بر این کار را داشت، سلیمان در جواب درماند. مأمون گفت: ای سلیمان! او عالم‌ترین هاشمی است. (ابن بابویه، ۱۳۷۲ ش، ص ۳۸۵؛ مجلسی، ۱۴۰۳ ق، ص ۳۳۲)

در کرسی‌های آزاداندیشی نیز لازم است ابتدا چارچوب و خطوط کلی بحث و مناظره مشخص شده و افراد در زمینه طرح سؤالات و ابهامات آزادانه عمل کنند. این موجب می‌شود طرف مقابل با آزادی سؤال نماید و به بحث ادامه دهد. از آنجا که اسلام دین آزادی و آزادگی است هیچ کسی را به فکر و عقیده خاصی ملزم نمی‌کند.

۲-۳- فرصت سؤال و دفاع به طرف مقابل: در جلسه مهمی که تمام سران

ادیان مذاهب حضور داشتند یکی از مسائلی که کاملاً حضرت رضا (ع) رعایت کرد،

میدان دادن به طرف‌های مقابل بود. هرگز حضرت در مناظره، حالت تهاجمی نگرفت و شروع به پرسش نکرد، بلکه با حوصله فراوان به مخالفان میدان می‌داد تا اگر خواستند، پیش قدم شوند.

جاثلیق گفت: «مطلبی را که از انجیل برایم روشن شود انکار نمی‌کنم، بلکه بدان اذعان دارم، حضرت فرمودند: شاهد بر اقرار او باشید. حضرت ادامه دادند: آنچه می‌خواهی بپرس. (ابن بابویه، ۱۳۷۲ ش، ص ۳۲۱؛ مجلسی، ۱۴۰۳ ق، ص ۳۱۰) رأس الجالوت گفت: من از تو می‌پرسم، ولی هیچ دلیلی را از تو نمی‌پذیرم، مگر این که در تورات یا انجیل یا زبور داوود یا صف ابراهیم و موسی باشد. حضرت با این که از اول به او میدان داد، در مرحله بعدی نیز از پیشنهاد او کاملاً استقبال کرد و در واقع، میدان را بر او بازتر کرد، و فرمود: دلیلی از من نپذیر، مگر آنچه از تورات که بر زبان موسی بن عمران و آنچه از انجیل که بر زبان عیسی بن مریم و آنچه از زبور که بر زبان داوود آمده است.» (طبرسی، ۱۴۰۳ ق، ص ۶۱۴)

به جهت همین آزادگی و روح علمی است که امام رضا (ع) در هیچ یک از مناظراتشان نخست سؤال نمی‌کنند، بلکه ابتدا به طرف مقابل می‌گویند سؤال داری بپرس. این امر بیانگر آن است که حضرت قادر به پاسخگویی هر سؤالی بوده و در ادامه هم به او فرصت می‌دادند تا از اندیشه خودش دفاع نماید و این نشان می‌دهد که باید در کرسی‌ها و مناظرات هم فرصت طرح سؤال و هم فرصت دفاع توانم فراهم باشد.

۳-۳- احاطه علمی: مناظره باید با افرادی صورت پذیرد که دارای استقلال علمی، صاحب نظر، برجسته و معروف باشند تا در صورتی که مناظره‌کننده طالب حق باشد بتواند از بیاناتشان سودمند گردد. (حسینی میرصفی، ۱۳۸۴ ش، ص ۲۳) خداوند در آیه ۶۶ سوره آل عمران بر این مسأله تأکید می‌کند. (آل عمران: ۶۶)

روایات فراوانی در اهمیت علم و عالم وارد شده است که ما به ذکر و نمونه از آن می‌پردازیم: پیامبر (ص) فرمودند: «دانایی سرآمد همه خوبی‌ها و نادانی سرآمد همه بدی‌ها است.» (شیخ الاسلامی، ۱۳۷۱ ش، ص ۹۹۴؛ آمدی، بی‌تا، ص ۴۱۱)

در مناظره امام با سلیمان مروزی، سلیمان ضمن گفتگو درباره اراده خدای تعالی، پنج‌بار حیران شد و از جواب باز ماند و خطایش به نحوی بود که مأمون و حاضران را به خنده واداشت (محبی‌پور، ۱۳۸۹ ش، صص ۵-۱۳۴) با وجود احاطه علمی امام رضا (ع)، مأمون نتوانست به اهدافش برسد. در جامعه امروزی گفتگویی نتیجه‌بخش است که طرفین آن دارای استقلال علمی و طالب حق باشند و مناظره آن‌ها از نوع «جدال احسن» باشد.

۳-۴- حاکمیت عقل و منطق به جای تعصب: یکی از مؤلفه‌های جدال احسن، روش استدلال، منطقی و عقلی است که در مناظرات حضرت (ع) جایگاه ویژه‌ای دارد. مناظره و کرسی‌های آزاداندیشی باید مبتنی بر برهان و استدلال باشد و عقل طرف را وادار به پذیرفتن کند یا موافق طبع انسانی او باشد. دیگر این‌که هر دو طرف علاقمند به روشن‌شدن حق باشند و از لجاجت و عناد پرهیز کنند. (رحیم‌پور، ۱۳۸۶ ش، ص ۲۸)

در کرسی‌های آزاداندیشی و مناظرات طرح سؤال و جواب و استفاده از این شیوه سبب می‌شود، ابتکار عمل در دست مدیران جلسه باقی بماند. البته طرح سؤال و جواب بر مبنای عقلانیت‌مداری و به دور از تعصبات قومی - قبیله‌ای صورت بگیرد تا حداکثر کارایی را داشته باشد. این امر به وضوح در مناظرات امام رضا قابل مشاهده است.

برای مثال امام در جواب مأمون که اصرار بر قبول خلافت داشت، با ارائه دلیل اثبات فرمود که خلافت حق مأمون نیست که بخواهد آن را واگذار نماید: «... اگر

این خلافت حق تواست و خداوند آن را برای تو مقرر کرده است، بنابراین جایز نیست خود را از آن خلع کنی و لباسی که خداوند بر تو پوشانیده از خود دور کنی و بر دیگری بیوشانی و اگر چنانچه خلافت حق تو نیست، حق نداری آن را به دیگری واگذار کنی.» (ابن بابویه، ۱۳۶۶ ش، ص ۶۶)

در نمونه دیگر: حضرت فرمودند: «پس چرا به عیسی بن مریم ایمان نمی‌آوری؟ با این‌که او مرده زنده می‌کرد و افراد نابینا و مبتلا به پیسی را شفا می‌داد و...، رأس‌الجالوت گفت: می‌گویند که او این کارها را انجام می‌داد، ولی ما ندیده‌ایم، حضرت فرمودند: آیا معجزات موسی را دیده‌ای؟ آیا اخبار این معجزات از طریق افراد قابل اطمینان به شما نرسیده است؟ گفت: بله، همین‌طور است، حضرت فرمودند: خوب، همچنین درباره معجزات عیسی بن مریم (س) اخبار متواتر برای شما نقل شده است، پس چرا موسی را تصدیق کردید و به او ایمان آوردید، ولی به عیسی ایمان نیاوردید؟ مرد یهودی جوابی نداد.» (ابن بابویه، ۱۳۷۲ ش، صص ۹-۳۳۸؛ مجلسی، ۱۴۰۳ ق، ص ۳۰۹)

باید دانست استفاده از عقل و منطق در مناظره ما را در رسیدن به نتیجه‌ای مطلوب می‌رساند. اسلام به ویژه مکتب امامت و ولایت، مکتب دانش، عقل و استدلال است و بر علم و منطق استوار می‌باشد، از شنیدن سخن مخالفان و نظر دیگران در مناظره‌ها نباید ابا داشت، بلکه باید آن‌ها را به مباحثه و تبادل فکر و اندیشه دعوت کرده و به طور اساسی از تفکر، تعقل و استدلال استقبال نمود.

۵-۳- اعتمادسازی و مستندگویی: بر اساس احادیث و آموزه‌های یادشده، گستره علم و دانش امام افزون بر قرآن و سنت (ابن سعد، ۱۴۱۸ ق، ص ۱۹۱؛ بروجردی، ۱۴۰۰ ق، ص ۲۷) حوزه‌های دیگری از جمله کتب مقدس همچون تورات، انجیل و زبور و زبان اقوام و ملل گوناگون (مجلسی، ۱۴۰۳ ق، ص ۱۷۰) امام برای اثبات

دیدگاه خویش و ابطال نظرشان به کتاب مقدس آن‌ها (عهد جدید و عهد قدیم) استناد می‌کردند. (میشل، ۱۳۷۷ ش، صص ۷-۲۳) این امر باعث اعتماد طرف مقابل می‌شود. البته روشن است که استناد امام به تورات، انجیل و زبور لزوماً به معنای پذیرش و حیانی بودن همه آموزه‌های موجود در نسخه‌های کنونی منابع بالا و عدم راه‌یابی تحریف در آن‌ها نیست و تنها در صورتی می‌توان درستی مضامین و انطباق آن با وحی نازل‌شده بر پیامبران پیشین را پذیرفت که با آموزه‌های توحیدی قرآن و سنت، عقل سلیم و حقایق مسلم تاریخی در تضاد نباشند.

در گفتگوی بین امام و فضل بن سهل، فضل پرسید: «روز، اول آفریده شده است یا شب؟ امام جواب می‌دهد: از روی قرآن جواب می‌خواهی یا از روی حساب؟ فضل می‌گوید: هر دو.» امام با توجه به علم نجوم ثابت می‌کند که روز پیش از شب است و بعد از آن با خواندن آیه «لا الشمس ینبغی لها ان تدرك القمر و لا الیل سابق النهار» (یس: ۴۰) به اثبات آن می‌پردازد. (مغنیه، ۱۳۷۹ ش، ص ۱۲۲) در مناظره آن حضرت با عمران صابی، عمران از آن حضرت درباره اعضای فیزیکی انسان که از بحث‌های پیچیده در علم پزشکی است و نیز از طبیعت اشیا در عالم سؤال می‌کند که امام (ع) همه را جواب می‌دهد. (مغنیه، ۱۳۷۹ ش، صص ۶-۱۲۳) در مناظره با جاثلیق حضرت شروع به خواندن قسمتی از انجیل کردند و وقتی به مطلب مربوط به پیامبر (ص) رسیدند، وقف نموده فرمودند: «تو را به حق مسیح و مادرش قسم می‌دهم، آیا دانستی که من عالم به انجیل هستم؟ گفت: بله.» (ابن بابویه، ۱۳۷۲ ش، ص ۳۲۰؛ قرشی، ۱۳۸۲ ش، ص ۲۲۰)

پس در مناظره و گفتگو مستندگویی موجب می‌شود تا مناظره از مسیر درست خارج نشود. طرفین در بحث و گفتگوی خود همواره باید به بررسی ادله و مستندات یکدیگر بپردازند و هرگز نباید اجازه دهند که مسائل حاشیه‌ای چون انگیزه‌خواهی

و بیان اهداف و نیت سوء طرف مقابل و امثال آن، در روند گفتگو اخلاق ایجاد کنند.

ب - رعایت اخلاق عملی

در علم اخلاق، «عمل» از آن جهت که بار ارزشی دارد و کاشف از یک خصیصه خلقی است، مورد بررسی قرار می‌گیرد. (مهدوی کنی، ۱۳۷۶ ش، ص ۱۶) چگونگی بکارگیری و پرورش استعدادها و قوای درونی برای توسعه و تثبیت صفات و رفتارهای پسندیده اخلاقی و نیل به سعادت و فضایل اخلاقی و دوری از ردیلت‌ها را «اخلاق عملی» می‌گویند. (دیلمی، ۱۳۷۹ ش، ص ۲۴؛ مظاهری، ۱۳۸۳ ش، ص ۳۰)

امام رضا (ع) در مناظرات خود با ارباب ادیان و مذاهب اخلاق علمی را رعایت کرده و رفتاری برخوردی توأم با کرامت داشتند. امام (ع) به شیعیان خویش آموختند که با پیروان ادیان و فرق مختلف - بدون هیچ‌گونه توهین به مقدسات آنان - تنها در سایه منطق و استدلال قوی و رعایت اخلاق عملی و علمی به گفتگو بپردازند. استفاده از این شیوه امام رضا (ع) در شرایط امروز جامعه ما که با بروز شبهات و اهانت به مقدسات دینی مواجهیم، می‌تواند راه‌گشا باشد. به چند نمونه از اخلاق عملی امام در مناظره که هم شامل گفتار و هم رفتار می‌شود، اشاره می‌کنیم:

۱- عدم خودستایی و خودبرتربینی هنگام غلبه

گاهی مناظره‌کننده با صراحت و یا با اشاره و کنایه - به خاطر تأیید سخن خود و نادرست جلوه‌دادن سخن دیگران - به نوعی خودستایی دچار می‌شود و غالباً این حالت درونی را اظهار می‌نماید، در حالی که خداوند متعال می‌فرماید: «فَلَا تُزَكُّوا أَنْفُسَكُمْ؛ و خودستایی نکنید.» (بقره: ۱۱۱) محتوای کلام واعظ بایستی

آگاه‌کننده و اندازدهنده باشد و با نیتی خالصانه و الهی و بدون هرگونه شائبه خودبرتربینی، سخن خود را بیان کند. البته وعظ‌کننده و مخاطب نیز باید شرایط لازم برای استماع سخن حق را داشته باشد و با گوش جان به اندرزها توجه کند تا موعظه در او تأثیرگذار باشد و گرنه وعظ بی‌اثر یا کم‌اثر خواهد شد. (رحیمی، ۱۳۸۱ ش، ص ۹۱)

در حقیقت امام (ع) علاوه بر استدلالات عقلی و علمی، روش اخلاقی اثرگذاری را در برابر مخاطبان مناظره‌ای خویش در پیش گرفتند و آن‌ها را مجذوب اسلام کردند. در این باره نقل است که امام (ع) هیچ‌وقت کلام کسی را قطع نمی‌کردند، هیچ حاجتی را رد نمی‌کردند و با هیچ‌کس سخن جسارت‌آمیز نمی‌گفتند. (طبرسی، ۱۳۹۹ ق، ص ۳۱۴) برای نمونه امام در توضیح صفات خدا می‌فرماید: «او می‌گوید: موجود شو، و آن شیئی نیز به خواست و اراده الهی موجود می‌شود، و هیچ‌چیز از مخلوقاتش از چیز دیگری به او نزدیک‌تر نیست و هیچ‌چیز نیز از چیز دیگر از او دورتر نیست، آیا فهمیدی عمران؟ گفت: بله سرورم، فهمیدم، و گواهی می‌دهم که خداوند تعالی همان‌گونه است که توضیح دادی و به یکتایی وصفش نمودی، و گواهی می‌دهم که محمد بنده اوست که به نور هدایت و دین حق مبعوث شده است، آنگاه رو به قبله، به سجده افتاده اسلام آورد.» (ابن بابویه، ۱۳۷۲ ش، ص ۳۵۸؛ مجلسی، ۱۴۰۳ ق، ص ۳۱۰)

دانشمندان دینی و فقها، دانش امام و مباحثه او را تحسین کردند و درباره فضل امام و وسعت علمش برای مردم سخن گفتند. اما مأمون اندوهگین شد و به امام رشک برد و علیه او دشمنی ورزید و سپس جلسه را ترک کرد. (قرشی، ۱۳۸۲ ش، ص ۱۸۹)

عمران صابی به توانایی علمی بالای امام (ع) اعتراف کرد، در پی شنیدن پاسخ‌های قطعی او به مشکل‌ترین سؤالات فلسفی که هیچ‌کس قادر به پاسخ‌گفتن

به آن‌ها نبود به جز وصی پیامبر که خدا به او علم و قضاوت درست بخشیده بود، بنابراین او اسلام را پذیرفت.

بر این اساس انسان در مناظره نباید به دنبال برتری جویی و تحمیل عقاید خود باشد، بلکه لازم است با استفاده از عنصر عقل و منطق به اثبات حقایق اسلامی بپردازیم.

۲- رعایت انصاف

حضرت رضا (ع) تلاش می‌کردند در فضای حاکم بر مناظره، انصاف جاری باشد. حضرت به عمران صابی فرمودند: «ای عمران، بپرس و بر تو لازم است که انصاف به خرج دهی و از مغالطه‌کاری و ستمگری پرهیز کنی.» انصاف کامل هم از دیگر نشانه‌های شخصیت علمی و ارزشی امام رضا (ع) بود. از این رو گاه به انصاف وی نیز اقرار می‌کرد، یعنی می‌فرمود: «انصاف به خرج دادی.» (قلندری، بردسیری، ۱۳۸۱ ش، ص ۴۰؛ شجاعی گلپایگانی، ۱۳۷۳ ش، ص ۱۲۹؛ مجلسی، ۱۴۰۳ ق، ص ۳۱۰) این امر نشان می‌دهد که یکی دیگر از ابعاد «اخلاق عملی» در مناظره رعایت انصاف است.

۳- تکریم و احترام

تکریم طرف مناظره یکی دیگر از روش‌های امام رضا (ع) است، مناظره بین امام و عمران نمونه‌ای از آن می‌باشد. آنگاه که عمران اسلام آورد امام او را تکریم نموده و دنبال او فرستادند. وقتی عمران وارد شد، امام خوشامد گفته و محترمانه استقبال نمودند. از آن پس بود که نزد امام می‌آمد و از علم فراوان آن حضرت بهره می‌برد و خود یکی از دعوت‌کنندگان به اسلام شد. حکیمان، صاحبان اندیشه و بدعت‌گذاران به نزد او می‌آمدند و از وی سؤال می‌کردند. عمران نیز به پرسش‌های

آن‌ها پاسخ می‌داد به حدی که آن‌ها از او اجتناب می‌کردند. (ابن بابویه، ۱۳۷۲ ش، ص ۳۶۰؛ قرشی، ۱۳۸۲ ش، ص ۱۹۱؛ مجلسی، ۱۴۰۳ ق، ص ۳۱۸)

امام رضا (ع) در حین مناظره، هیچ‌گاه طرف مقابل را تحقیر نمی‌کردند و حتی اگر اطرافیان به تمسخر طرف مناظره اقدام می‌نمودند و می‌خندیدند، آن‌ها را دعوت به ملایمت می‌نمودند، چنانکه در مناظره امام و سلیمان مروزی رخ داد. (قرشی، ۱۳۸۲ ش، ص ۱۹۵) حتی آن هنگام که در حین مناظره سلیمان تناقض‌گویی می‌نمود مأمون گفت «وای بر تو سلیمان! چه قدر این حرف غلط را تکرار می‌کنی؟! این سخن را قطع کن و به سراغ چیز دیگری برو. امام (ع) رو به مأمون کرد و فرمود: رهائش کن، حرفش را قطع نکن، چون آن را دلیل حقانیت خود قرار می‌دهد، سپس رو به سلیمان کرد و گفت: ادامه بده ای سلیمان...» (قرشی، ۱۳۸۲ ش، ص ۲۰۲)

امام همواره ادب و اخلاق اسلامی را رعایت و از تهمت بکارگیری الفاظ ناپسند پرهیز می‌کردند. ایشان با الفاظ محترمانه ارتباط برقرار می‌کردند. پس لازم است امروزه با احترام و تکریم زمینه‌ساز هدایت و بصیرت طرف مقابل را فراهم آوریم.

۴- زیرکی و کیاست در استفاده از مبانی طرف مقابل

زیرکی و کیاست، یکی از اصولی است که باید رعایت شود تا در حین مناظره طرف مقابل بتواند آزادانه سخن بگوید و فضای مناظره جنجالی نشود. در عین حال در فرصت مناسب با استفاده از مبانی طرف مقابل او را به سمت حقیقت راهنمایی کنیم و به عنوان نمونه امام به فرد مسیحی فرمود: «به خدا سوگند ما به «عیسی» ایی که به محمد (ص) ایمان داشت، ایمان داریم و نسبت به «عیسی» شما ایرادی نداریم به جز ضعف و ناتوانی و کمی نماز و روزه‌اش، جاثلیق گفت: به خدا قسم، علم خود را فاسد نمودی و خود را تضعیف کردی، گمان می‌کردم تو

عالم‌ترین فرد در بین مسلمانان هستی، حضرت فرمودند: مگر چه طور شده است؟ او گفت: می‌گویی: عیسی ضعیف بود و کم روزه می‌گرفت و کم نماز می‌خواند، و حال آنکه عیسی، حتی یک روز را بدون روزه نگذراند و حتی یک شب نخوابید، همیشه روزها روزه بود و شب‌ها شب زنده‌دار! حضرت فرمودند: برای تقرب به چه کسی روزه می‌گرفت و نماز می‌خواند؟! جاثلیق از کلام افتاد و ساکت شد.» (ابن بابویه، ۱۳۷۲ ش، صص ۲-۳۲۱)

در مناظره نباید با تهدید به زور و اجبار طرف مقابل را به پذیرفتن حقیقت دعوت کرد، بلکه بایستی با دلایل روشن و واضح و زیرکی خاصی شخص را به حقیقت رساند.

۵- قاطعیت در عین رأفت

یکی دیگر از مؤلفه‌های اخلاق علمی که در مناظرات رضوی قابل مشاهده است، قاطعیت در عین رأفت می‌باشد. به عنوان نمونه، حضرت، هربذ (بزرگ زردشتیان) را فراخواند و فرمود: «دلیل تو به پیامبری زردشت چیست؟ گفت: چیزهایی آورده که قبل از او کسی نیاورده است، البته ما، خود او را ندیده‌ایم، ولی اخباری از گذشتگان ما در دست است که او چیزهایی را که دیگران حلال نکرده‌اند بر ما حلال کرد، لذا از او پیروی می‌کنیم، حضرت فرمودند: مگر نه این است که به خاطر اخباری که به شما رسیده، از او پیروی می‌کنید؟ گفت: بله همین‌طور است، حضرت فرمودند: سایر امت‌های گذشته نیز چنین‌اند، اخباری مبنی بر دین پیامبران و موسی، عیسی و محمد (ص) به دستشان رسیده است، عذر شما در عدم ایمان به آنان و ایمان به غیر آنان بدین امور چیست؟ هربذ خشکش زد!!» (ابن بابویه، ۱۳۷۲ ش، ص ۳۳۹؛ قرشی، ۱۳۸۲ ش، ص ۲۲۳)

کرسی‌های آزاداندیشی لازم است تا عقاید صحیح و ناب اسلامی با قاطعیت و بدون چشم‌پوشی مطرح گردد. امروزه قاطعیت از گرفتار کردن افراد در بدعت و گمراهی جلوگیری می‌نماید و آن‌قدر مهم است که عدم آن می‌تواند لکه ننگی بر دامن تشیع بزند.

۶- سعه صدر در مناظره

امام رضا (ع) در مناظرات خود هیچ‌گاه خشمگین نمی‌شدند، ایشان حتی اگر سخنان باطل می‌شنیدند باز هم عرصه را برای مخالف باز می‌گذاشتند تا کلام خویش را به طور کامل بازگو کند.

در مناظره بین آن حضرت با جاثلیق، وقتی با استدلال امام مواجه می‌شود که ما به خدا معتقدیم و به عیسایی که معتقد به نبوت محمد (ع) بود و ما چیزی علیه عیسی نداریم مگر ضعف و کمی روزه و نماز او، در اینجا جاثلیق با شنیدن این‌ها فریاد زد: به خدا علمت را فاسد کردی و امورت ضعیف شد، ما فکر می‌کردیم که تو عالم‌ترین اهل اسلام هستی. امام به آرامی با او روبرو شد و با توجه به خدا انگاشتن عیسی مسیح توسط مسیحیان به آن جواب دادند. (ابن بابویه، ۱۳۷۲ ش، ص ۳۲۱؛ شجاعی گلپایگانی، ۱۳۷۳ ش، ص ۱۷۱)

داشتن سعه صدر، تحمل عقاید و آرای دیگران از اخلاقیات علمی مهم گفتگو و مناظره می‌باشد، زیرا این اصل حق دیگران را در کمال رضایتمندی پذیرفته و فرصت فکر کردن آزادانه را به آن‌ها می‌دهد و می‌تواند گامی مثبت برای ایجاد ارتباط و گفتگو با افراد دیگر گردد.

ج - اخلاق اعتقادی (اخلاق باور)

امام رضا (ع) در بیان اعتقادات نیز پایبند به اخلاق بودند، به تعبیر دیگر «اخلاق باور» داشتند.

۱- روشنگری اعتقادی در پرتو دانش

احترام و قبول انبیای گذشته موردی است که در لابلای مناظرات آن حضرت به چشم می‌خورد. امام پس از تأیید نبوت (قرشی، ۱۳۸۲ ش، ص ۲۱۸؛ نجفی، ۱۳۵۲ ش، ص ۴۳) به جاثلیق در مورد شهادت علمای انجیل سؤال می‌کند و او همگی را حق می‌داند سپس امام می‌فرماید: «آیا می‌دانی که متی گفته است: مسیح، فرزند داود بن ابراهیم بن اسحاق بن یعقوب بن یهوذا بن خضرون است و مرقابوس درباره اصل و نسب عیسی بن مریم (س) گفته است: او «کلمه» خداست که خداوند او را در جسد انسانی قرار داد و به صورت انسان درآمد و الوقا گفته است: عیسی بن مریم (س) و مادرش انسان‌هایی بودند از خون و گوشت که روح‌القدس در آنان حلول کرد و در ضمن قبول داری که از جمله مطالب عیسی درباره خودش، این است که فرموده: ای حواریون! به راستی و صداقت برایتان می‌گویم: هیچ‌کس به آسمان نخواهد رفت، جز آنکه از آن فرود آمده مگر آن شترسوار، خاتم‌الانبیاء، که او به آسمان صعود می‌کند و فرود می‌آید، نظرت درباره این سخن چیست؟ جاثلیق گفت: این سخن عیسی است و ما آن را انکار نمی‌کنیم، حضرت فرمودند: نظرت درباره شهادت و گواهی الوقا، مرقابوس و متی درباره عیسی و اصل و نسب او چیست؟ جاثلیق گفت: به عیسی افترا زده‌اند، حضرت به حضار فرمودند: آیا (همین الان) پاکی و صداقت آنان را تأیید نکرد و نگفت آنان علمای انجیل هستند و گفتارشان حق است و حقیقت؟! جاثلیق گفت: ای دانشمند مسلمین، دوست دارم مرا در مورد این چهار نفر معاف داری، حضرت فرمودند: قبول است، تو را معاف کردیم.» (ابن بابویه، ۱۳۷۲ ش، ص ۳۳۱)

در اغلب مناظراتی که از سوی عالمان و ارباب مذاهب و اشخاص سیاسی و اجتماعی برپا می‌شود، هدف مناظره‌کنندگان غلبه بر طرف مقابل، اسکات و یا اقناع او است، با کمال تأسف برای دستیابی به منظور خود از رفتاری بی‌ادبانه و دور از اخلاق استفاده می‌نمایند، اما مناظرات امام که سرچشمه فیاض هدایت و ارشادند، تماماً در پی روشنگری حقیقت و هدایت انسان‌اند.

۲- اثبات وحدانیت خدا با دلیل

امام (ع) در مناظرات خود روح آزادمنشی اسلام را به همگان نشان داد و ثابت کرد که برخلاف گفته بدخواهان و دروغ‌پردازان، اسلام با زور و شمشیر به مردم جهان تحمیل نشده و یک پیشوای بزرگ اسلامی به مخالفان خود اجازه می‌دهد که هرگونه ایراد و اشکالی دارند بدون ترس مطرح سازند.

در مناظره امام با عمران پس از قانع‌شدن عمران درباره بسیط‌بودن خدا پرسید: «خدا به چه وسیله‌ای آنچه را که دانسته است، بدان آگاهی یافته؟ آیا به توسط ضمیر بوده است، یا چیزی غیر از آن؟ مترجم گوید: منظور صورت حاصله از ذات معلوم در نفس عالم می‌باشد و نیز هدف عمران از این سؤال، ظاهراً این بوده است که با اثبات «ضمیر» و یا هر چیز دیگری در خداوند، وحدانیت (تک‌بودن و وحدت مطلقه) ذات اقدس الهی را مورد تشکیک قرار دهد و حضرت با این بیان، «علم حصولی» را در مورد خداوند مردود دانسته‌اند و وحدت مطلقه (جزء ناپذیربودن) خداوند را اثبات نموده‌اند. حضرت فرمودند: اگر علم او از طریق «ضمیر» (و آن صورت حاصله در اندیشه) انجام پذیرد، آیا می‌توان برای شناخت آن «ضمیر» حد و حدودی قرار نداد؟ گفت: نه نمی‌توان، امام ادامه دادند: آن ضمیر چیست؟ عمران جوابی نداد!» (ابن بابویه، ۱۳۷۲ ش، ص ۳۴۳)

این نوع پاسخگویی امام (ع) نشان می‌دهد که مناظره مستلزم نقد است، یعنی وقتی مناظره‌کنندگان موضع انتقادی داشته باشند، خود را متعهد و ملزم به پرسش کردن و توجه دقیق به تمام موضوعات می‌دانند، البته این امر مستلزم نگرش باز به مسائل و آمادگی برای بازاندیشی درباره چیزی است که تاکنون مسلم و درست می‌دانسته‌اند، چیزی که امام در مناظره علمی با عمران صابی درباره غامض بودن مطرح و عمران صابی آن را تأیید کرد.

۳- دعوت به توحید بر پایه اخلاق

توجه به اصول مشترک بین ادیان می‌تواند مناظره را نتیجه‌بخش کند. خداوند می‌فرماید: «بگو ای اهل کتاب بیایید به سوی سخنی که میان ما و شما یکسان است که جزء خداوند یگانه را نپرستیم و چیزی را همتای او قرار ندهیم و بعضی از ما بعض دیگر را غیر از خدای یگانه.» (آل عمران: ۶۴) امروزه این امر از ضروریات گفتگو بین ادیان است و بهترین راه معرفی اسلام می‌باشد. (طاهری آکردی، ۱۳۸۷ ش، ص ۱۶۳) عمران پرسید: «ما خدا را با چه چیز شناخته‌ایم؟ حضرت فرمودند: با چیزی غیر از او، پرسید: غیر او چیست؟ حضرت فرمودند: مشیت او، اسم او و صفت او و هر چیز دیگر شبیه به این‌ها و همگی این‌ها مخلوق، حادث و تدبیر شده خداوند هستند. عمران پرسید: او چیست؟ حضرت فرمودند: نور است، به این معنی که مخلوقاتش را - چه از اهل آسمان باشند چه از اهل زمین - هدایت می‌کند و به جز بیان و اثبات وحدانیت او بیان چیزی دیگر بر من واجب نیست.» (ابن بابویه، ۱۳۷۲ ش، صص ۶-۳۴۵)

پس رعایت این اصل اخلاقی، یعنی اصل دعوت به توحید بر پایه اخلاق در کرسی‌های آزاداندیشی اهمیت بسیاری دارد که باعث نتیجه‌بخش شدن گفتگو می‌گردد.

۴- درس عملی برای اجرای فرائض

بی‌تردید نماز از واجباتی است که سخت مورد عنایت و تأکید شرع مقدس می‌باشد و آیات و روایات فراوانی در ارزش و والایی جایگاه آن وجود دارد. امام رضا نیز همچون سایر اهل بیت پیوسته به اقامه نماز در اول وقت و درک فضیلت آن اهتمام و تأکید می‌نمودند.

روایت شده که آن حضرت در بحبوحه جلسات سنگین مناظره در بزنگاه‌ها و مقاطع حساس که مخاطبان در آستانه اقناع قرار می‌گرفتند، به مجرد بلندشدن ندای مؤذن، جلسه را ترک کرده و فرمودند: «زمان نماز فرا رسیده است. عمران صابی با التماس گفت: آقای من! گفتگو و پاسخ‌های خویش را قطع مکن، زیرا دل من آماده پذیرش سخنان شماست، اما امام فرمود: عیبی ندارد نماز را می‌خوانیم و دوباره به گفتگو ادامه خواهیم داد.» در این حال امام و همراهان به اقامه نماز مشغول شدند. حضرت بعد از اقامه نماز دوباره به گفتگو ادامه داد و پاسخ‌های روشنگرانه خویش را ارائه نمود. (ابن بابویه، ۱۳۷۲ ش، ص ۳۴۸؛ مجلسی، ۱۴۰۳ ق، ص ۳۱۳) این سیره، درسی است عملی برای همه کسانی که دارای تربیون هستند، رسانه‌های جمعی و ارتباطی و همه آحاد جامعه که نماز در اول وقت را حقیقتاً به منزله شعار اصلی دین بنگرند و به یک فرهنگ شیرین و جذاب تبدیل نمایند و در عمل هم در آن پیشگام باشند.

۵- دفاع بی‌پرده از حریم مقدسات

امام در مناظره با متکلمان اسلامی، از آیات قرآن و سنت در کنار استدلال عقلی بهره می‌جستند. آنچه که در مناظره با سلیمان مروزی، مأمون و علی بن جهم اتفاق افتاد، دلیل بر این مطلب است. (شجاعی گلپایگانی، ۱۳۷۳ ش، ص ۱۶۰)

علی بن محمد بن جهم درباره عصمت انبیا از این آیات پرسید: «آدم پروردگار خود را نافرمانی کرد و به بیراهه رفت» (طه: ۱۲۱) «و یونس که با خشم قوم خود را ترک کرد و مطمئن بود که ما بر او سخت نخواهیم گرفت» (انبیا: ۸۷) و درباره حضرت یوسف «زلیخا قصد یوسف کرد و یوسف نیز قصد او» (یوسف: ۲۴) و درباره حضرت داود «داود فهمید که ما او را آزمایش کرده‌ایم» (ص: ۲۴) و نیز درباره حضرت محمد (ص) «در خود چیزی پنهان می‌کنی که خدا آن را آشکار خواهد کرد» (احزاب: ۳۷) امام فرمودند: ای وای! از خدا بترس و زشتی‌ها را به انبیای خدا نسبت نده! و کتاب خدا را با رأی خودت تأویل و تفسیر نکن. (ابن بابویه، ۱۳۷۲ ش، صص ۹۰-۳۸۹) و جواب‌های محکم و کوبنده‌ای به او داد که در پایان شخص از کار خود پشیمان شد. راوی گوید: «علی بن محمد بن جهم گریست و گفت: «یابن رسول‌الله من توبه می‌کنم از این‌که از این به بعد درباره انبیای خدا علیهم‌السلام به غیر از آنچه شما گفتید سخنی بگویم.» (ابن بابویه، ۱۳۷۲ ش، ص ۳۹۶)

در برابر خشم، تندی و توهین از طرف مقابل مناظره‌کننده باید با ملاطفت و ملایمت صحبت کند تا حقیقت برایش هویدا شود، زیرا تأثیر این‌گونه سخن‌ها بیشتر است. نکته دیگر این است که در مقدسات و دفاع از آن‌ها هیچ‌گاه اغماض و تسامح راه ندارد و بی‌پروا باید از حریم آن‌ها دفاع کرد.

نتیجه‌گیری

از مناظرات امام رضا (ع) می‌توان نتیجه گرفت که اسلام به ویژه - مکتب امامت و ولایت - مکتب دانش، عقل و استدلال می‌باشد و بر علم و منطق استوار است. اسلام از شنیدن سخن نظرات دیگران و مخالفان ابا ندارد، بلکه آن‌ها را به مباحثه و تبادل فکر و اندیشه دعوت کرده و به طور اساسی از تفکر و تعقل و استدلال استقبال می‌کند. این مناظره‌ها نیروهای ضد اسلام را ساکت کرد و به روشنی توانایی و احاطه امام (ع) را بر علوم و دانش‌های مختلف نشان می‌دهد. همچنین درستی عقیده شیعه را در این باره که خدا به امام توانایی علمی بخشیده به اثبات رسانید. از طرفی روشن شد که امامان نه تنها در زمینه علوم شرعی، بلکه در همه علوم عالم‌ترین مردم آن جامعه بوده‌اند.

اخلاق مناظراتی امام رضا (ع) و مناظرات اخلاقی ایشان را می‌توان به سه دسته تقسیم کرد:

- ۱- اخلاق علمی، شامل: عدم نقد اشخاص، جدال احسن، استفاده از منابع مورد قبول طرف مقابل؛
 - ۲- اخلاق عملی، شامل: عدم خودستایی و خودبرتربینی هنگام غلبه، رعایت انصاف، تکریم و احترام، زیرکی و کیاست امام؛
 - ۳- اخلاق اعتقادی، اثبات وحدانیت خدا با دلیل، درس عملی برای اجرای فرائض و دفاع از مقدسات
- سلوک اخلاقی امام رضا (ع) مطلبی است که می‌تواند الگو و راهبردی برای گفتگوها و برخوردهای فعلی ما در عصر حاضر باشد. با واکاوی مناظرات امام (ع) و کشف اخلاقیات می‌توان همان سلوک را در گفتمان‌های دینی اجرا نمود. در این صورت به یقین می‌توانیم در معرفی اسلام به جهان موفق‌تر باشیم.

فهرست منابع

قرآن کریم.

ابن بابویه، محمد بن علی. (۱۳۶۱ ش.). معانی الاخبار. قم: جامعه مدرسین.

ابن بابویه، محمد بن علی. (۱۳۶۶ ش.). الامالی. تهران: کتابچی، چهار جلدی.

ابن بابویه، محمد بن علی. (۱۳۷۲ ش.). عیون اخبار الرضا علیه السلام، مترجم غفاری، تهران: نشر صدوق.

ابن بابویه، محمد بن علی. (۱۳۹۸ ق.). التوحید. محصل هاشم حسینی، قم: جامعه مدرسین.

ابن بابویه، محمد بن علی. (۱۴۱۷ ق.). الامالی. قم: جامعه مدرسین.

اربلی، علی بن عیسی. (۱۳۸۱ ش.). کشف الغمه. تبریز: مکتب بنی هاشمی.

آمدی، عبدالواحد. (بی تا). غرر الحکم و درر الکلم. قم: مؤسسه دار الکتب.

بحرانی، سیدهاشم. (۱۳۸۶ ش.). البرهان فی تفسیر القرآن. تهران: دار المجتبی.

بروجردی، سیدمحمد. (۱۴۰۰ ق.). جامع احادیث الشیعه. قم: المطبعه العلمیه.

جرجانی، شریف علی بن محمد. (۱۴۰۶ ق.). التعریفات. مصر: المطبعه الخیریه.

جوادی آملی، عبدالله. (۱۳۸۹ ش.). هدایت در قرآن. قم: اسراء.

حر عاملی، محمد بن حسن. (بی تا). الفصول المهمه فی اصول الائمه. قم: مکتب بصیرتی.

حسینی میرصفی، فاطمه. (۱۳۸۴ ش.). شیوه مناظرات انبیا و امام صادق علیه السلام. تهران: شرکت چاپ و نشر بین الملل.

خاتمی، سیدعباس. (۱۳۷۲ ش.). احوال ثامن الحجج (ع). مشهد: انتشارات موسی بن جعفر.

خاکپور، حسین. (۱۳۹۳ ش.). نقش و آثار مدیریت فرهنگی امام رضا بر جامعه شیعه. فصلنامه فرهنگ رضوی. سال دوم، شماره هشتم.

دیلمی، احمد. آذربایجانی، مسعود. (۱۳۷۹ ش.). اخلاق اسلامی. قم: دفتر نشر معارف.

رحیم پور، مهناز. (۱۳۸۶ ش.). شیوه‌های دعوت در آیه ۱۲۵ سوره نحل. فصلنامه بینات. سال چهاردهم، شماره پنجاه و پنجم.

رحیمی، عباس. (۱۳۸۱ ش.). چهل و هفت نکته تبلیغی از قرآن کریم. مبلغان مهر. سال چهارم، شماره سی و سوم.

ژانه، پیر. (۱۳۷۳ ش.). اخلاق. مترجم بدرالدین کتابی، اصفهان: انتشارات آموزش و پرورش.

شجاعی گلپایگانی، سیدزین‌العابدین. (۱۳۷۳ ش.). زندگانی حضرت علی بن موسی الرضا علیه‌السلام. قم: دفتر نشر مصطفی.

شیخ‌الاسلامی، حسین. (۱۳۷۱ ش.). هدایه العلم فی تنظیم غرر الحکم. قم: انتشارات انصاریان.

طاهری آکردی، محمدحسین. (۱۳۸۷ ش.). پیشینه تاریخی گفتگوی اسلام و مسیحیت با تأکید بر دیدگاه شیعه و کاتولیک. قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره).

طبرسی، احمد بن علی. (۱۴۰۳ ق.). الاحتجاج. مشهد: انتشارات مرتضی.

طبرسی، احمد بن علی. (۱۴۱۳ ق.). الاحتجاج. محقق ابراهیم بهادری، قم: انتشارات اسوه.

طبرسی، فضل بن حسن. (۱۳۹۹ ق.). اعلام‌الوری بأعلام‌الهدی. به کوشش علی‌اکبر غفاری، بیروت: دار المعرفه.

عطاردی، عزیزالله. (بی تا). اخبار و آثار حضرت امام رضا علیه‌السلام. تهران: انتشارات کتابخانه صدر.

فضل‌الله، محمدجواد. (۱۳۶۶ ش.). تحلیلی از زندگانی امام رضا علیه‌السلام. مشهد: آستان قدس رضوی.

فنائی اشکوری، محمد. (۱۳۷۴ ش.). معرفت‌شناسی دینی. تهران: برگ.

قرشی، باقرشریف. (۱۳۸۲ ش.). پژوهشی دقیق در زندگانی امام رضا علیه‌السلام. مترجم سیدمحمد صالحی، تهران: دار الکتب الاسلامیه.

قلندری بردسیری، حمید. (۱۳۸۱ ش.). هشتمین امام علیه‌السلام. قم: نشر فراگفت.

کلینی، محمد بن یعقوب. (۱۳۶۲ ش.). فروع کافی. قم: دار الکتب الاسلامیه.

گلن، ویلیام. مرتن، هنری. (۱۳۷۹ ش.). کتاب مقدس عهد عتیق و عهد جدید. مترجم فاضل‌خان همدانی، تهران: اساطیر.

مجلسی، محمدباقر. (۱۴۰۳ ق.). بحر الانوار. بیروت: دار الإحیای التراث العربی، چاپ سوم.

محبی‌پور، صغری. (۱۳۸۹ ش.). نقش امام علیه‌السلام در حدیث شیعه. قم: سازمان تبلیغات اسلامی.

مطهری، مرتضی. (بی تا). آشنایی با علوم اسلامی حکمت عملی. تهران: انتشارات صدرا، چاپ اول.

مظاهری، حسین. (۱۳۸۳ ش.). کاوشی نو در اخلاق اسلامی. تهران: مؤسسه نشر و تحقیقات ذکر.

مغنیه، جواد. (۱۳۷۹ ش.). شخصیت حضرت رضا علیه‌السلام و موسی الکاظم علیه‌السلام. مترجم سیدجعفر غضبان، تهران: اردیبهشت.

مهدوی کنی، محمدرضا. (۱۳۷۶ ش.). نقطه‌های آغاز در اخلاق عملی. قم: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.

میشل، توماس. (۱۳۷۷ ش.). کلام مسیحی. مترجم حسین توفیقی، قم: مرکز تحقیقات ادیان و مذاهب.

محمد ابن سعد. (۱۴۱۸ ق.). الطبقات الکبری. به کوشش محمدعبدالقادر عطاء، بیروت: دار الکتب الاسلامیه.

محمد بن مکرم ابن منظور. (۱۴۱۶ ق.). لسان العرب. بیروت: دار الإحیای التراث العربی، چاپ اول.

نجفی، عبدالحمید شمس‌الدین. (۱۳۵۲ ش.). مناظرات ستاره هشتم ولایت حضرت علی بن موسی الرضا علیه‌السلام. مشهد: خراسان.

نراقی، محمدمهدی. (۱۳۶۸ ش.). جامع السعادات. نجف: مطبعه الزهرا.

نوری، ابراهیم. خاکپور، حسین. (۱۳۹۰ ش.). مصداق‌شناسی بداء در قرآن و روایات و عدم مغایرت آن با علم الهی. فصلنامه اندیشه نوین دینی. سال هفتم، شماره بیست و هفتم.

یادداشت شناسه مؤلفان

مرضیه محمودی: دانشجوی کارشناسی ارشد علوم قرآن و حدیث، دانشگاه سیستان و بلوچستان، زاهدان، ایران.

حسین خاکپور: دانشیار دانشگاه سیستان و بلوچستان، گروه علوم قرآن و حدیث، زاهدان، ایران.
(نویسنده مسؤول)

پست الکترونیک: dr.khakpour@theo.usb.ac.ir

مهرناز گلی: استادیار دانشگاه سیستان و بلوچستان، گروه علوم قرآن و حدیث، زاهدان، ایران.

ابراهیم نوری: استادیار دانشگاه سیستان و بلوچستان، گروه معارف اسلامی، زاهدان، ایران.

Debate ethic and ethic debates in razavi behaviour and the methods of its applying in the seats of free thought

Marzeye Mahmudi

Hosain Khakpur

Mehrnaz Goli

Abraham Nuri

Abstract

Nowadays one of the best ways of religion proselytizing is the matter of theoretical and doctrinal issues in the format of applying in the seats of free thought that is the best model for that. The goal is attention to debates in behaviours of the Infallible Imams (A), specially Imam Reza (A), and adoption of the method of the best Battle of Imam (A) to Followers of other religions.

This article in descriptive-analytical method reviews the Imam (A) debates and presents a bright image of governance of Morality on debate space of Imam (A) to Followers of different religions and their practical invitation to Islam. The results show that in addition to the governance of science space on debates "Debate Ethic" and "Ethic Debates" of Imam (A) gave Special effects on these seats, and this characteristic makes the maximum absorption to Islam. Of ethical grounds ruling on debates of the Imam (A) are: Allowing the other side in questioning, Directional collision and Fairness, Priority of religious practice specially Praying in its time, and Rule of reason. According to Imam Reza (A) behavior, with take advantage of "Scientific and Practical ethics" beside "The Ethics of Belief" in the Seats of Free Thought, those seats will be useful, efficient and effective.

Keywords

Imam Reza (A), Debates, Scientific Ethics, Practical Ethics, Seats of Free Thought